



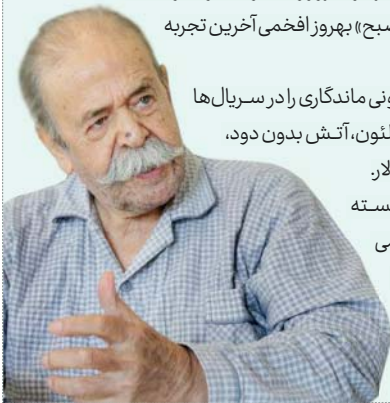
کشاورز یکی از بهترین همکاری های من با آنتونی کوین بود. سال ها بعد او را در انگلیس دیدم و او مرا برای زندگی و بازی در تئاتر و سینما به نزد خودش دعوت کرد. اما گفتم من به جز وطنم ایران در هیچ جای دنیا کار نمی کنم

محمد علی کشاورز (۲۶ فروردین ۱۳۰۹)

فرزند دوم خانواده کشاورز است و بچه محله سیچون اصفهان. اوفارغ التحصیل هنرستان هنرپیشگی تهران و دانشکده هنرهای دراماتیک است و مدرک نقشه برداری هم دارد. به خاطر همین تجربه مجری گری برنامه های مربوط به نقشه برداری در تلویزیون را هم دارد. کشاورز همان سال ها کنکور پزشکی هم داد و قبول شد، اما «در سالن تشریح که رفتم دیدم به روحیات من نمی خورد و انصراف دادم». اولین تجربه حرفه ای بازیگری کشاورز به ۵۹ سال قبل برمی گردد. به بازی در تله تئاتر «خودکشی» علی نصیریان در سال ۱۳۳۹. همان سال در ۳۰ سالگی در نمایش «ویلون ساز کره مونا» هم برای اولین بار بازی در تئاتر را تجربه کرد. کشاورز اولین بار در سینما در سال ۱۳۴۳ در فیلم «شب قوزی» فرخ غفاری جلوی دوربین رفت.

کشاورز تجربه بازی در ۴۷ فیلم سینمایی را در کارنامه بازیگری اش دارد؛ خشت و آینه، کمال الملک، کفش های میرزا نوروز، مادر، ناصرالدین شاه آکتور سینما، دلشدگان، زیر درختان زیتون، روز واقعه و ... بازی در نقش استاد امام خمینی در «فرزند صبح» بهروز افخمی آخرین تجربه بازیگری اوست.

کشاورز نقش های تلویزیونی ماندگاری را در سریال ها بازی کرده است؛ دابی جان ناپلئون، آتش بدون دود، هزارستان، سربداران و پدرسالار. از میان فیلم هایش دل بسته نقش هایی است که علی حاتمی کارگردان آنها بوده: «با علی حاتمی چون هم دانشکده بودیم خیلی راحت بودم»



گفت و گو با محمد علی کشاورز، سالار بازیگری ایران به مناسبت تولدش

عشق بیشتر و صبر کمتر

۶ فروردین ۱۳۰۹. حالا کنارش يك نام می گذاریم؛ «محمد علی کشاورز». دیدید چقدر حسمان به تاریخ مورد نظر عوض شد؟ ماجرای تاریخ های تولد همین است دیگر... این آدم ها هستند که به عددها هویت می دهند. کشاورز دور روز دیگر ۸۹ ساله می شود. او ۸۹ بهار را دیده، روی صحنه های مختلف درخشیده و حالا حرف ها دارد از دیروز تا امروز... در یکی از همین روزهای بهاری و به مناسبت همین عددهایی که در شناسنامه کشاورز ثبت شده با او دیدار و گفت و گو کردیم تا ببینیم در این ۸۹ بهاری که دیده چه روزگاری از سر گذرانده و نگاهش به دنیا، زندگی و انسان ها چگونه است.



آن روزها رفتند

حالا از پنج استاد برجسته بازیگری ایران تنها دو نفر در قید حیات هستند؛ عزت... انتظامی، داوود رشیدی و جمشید مشایخی رفته اند و کشاورز و علی نصیریان در قید حیات هستند. حرف هایمان را با یادی از گذشته و فضای دوستانه میان این بزرگان شروع می کنیم و از استاد درباره حال و هوای آن روزها می پرسیم. وقتی به او می گوییم یکی از پنج چهره برجسته بازیگری در ایران است، در نهایت توضیح به نام های دیگری اشاره کرده و می گوید: در همنسلان من هنرمندان بی شماری وجود داشتند، چه در میان زنان بازیگر و چه مردان چهره هایی بودند که دیگر تکرار نخواهند شد، مگر می شود بازی های درخشان فخری خوروش، جمیله شیخی، نادره خیرآبادی، جعفر والی و بسیاری نام های دیگر را فراموش کرد؟ او ادامه می دهد: ما همه به بازیگری عرق خاصی داشتیم و با همه وجودمان پای کارمان ایستاده بودیم، نسلی که همه تا توانستند پای هنرشان بودند و هیچ وقت پادشان نرفت عشق شان چپست و در چه مسیری می خواهند پیش بروند.

از کشاورز درباره کدورت هایی می پرسیم که گفته می شد میان همین پنج چهره برجسته بازیگری وجود داشته است. او توضیح می دهد: من با هیچ کسی کدورتی نداشتم و همیشه رابطه من با همه دوستان توام با احترام و صمیمیت بوده. ممکن است در

جمعی که نام بردید دو نفر رفاقتشان با هم کمتر بوده باشد، اما این به معنی کدورت نیست. حالا هم که عزت، داوود و جمشید را از دست دادیم و... امیدوارم خدا سایه علی نصیریان را بر سر هنر نمایش این کشور مستدام بدارد. مثل علی نصیریان نداریم و او واقعا یکی از نجیب ترین و با اخلاق ترین هنرمندان ایران است.

استاد از این که برخی هنرمندان نسل های جدید رفتاری دور از اخلاق و ادب دارند، گله مند است. کشاورز در این رابطه بیان می کند: واقعا حیرت می کنم چرا هنرمندان به جای این که با هم رفاقت داشته باشند و به هم کمک کنند، برای همدیگر می زنند. بهتر است به جای این کار روی فعالیت هنری خود تمرکز کرده و به این فکر کنند که چرا هنرمندان قدیمی میان مردم محبوب هستند. در مملکتی مثل ایران که سرزمینی اسلامی است، نجابت حرف اول را می زند و نباید چنین رفتارهای نادرستی به آن خدشه وارد کند. بزرگ ترین فرهنگ دنیا، فرهنگ ایرانی است.

کتاب می خوانم

بعد کمی از آثار استاد حرف می زنیم و می پرسیم کدام اثرش را بیشتر دوست دارد، این روزها چه فیلم هایی می بیند و بازی چه کسانی را بیشتر دوست دارد. او اما پاسخ جالبی می دهد و می گوید که کتاب می خواند! کشاورز این طور ادامه می دهد:

من هیچ وقت حتی بازی های خودم را هم تماشا نکردم و کلا اهل تلویزیون دیدن نیستم. بیشتر دوست دارم مطالعه کنم و از این کار بسیار لذت می برم. کشاورز بخش بعدی سؤالمان را هم این طور پاسخ می دهد: من چون فیلم نمی بینم، نمی توانم بگویم بازی چه کسی را دوست دارم، اما مطمئنم هم میان بازیگران جوان و هم با تجربه، هستند کسانی که بدرخشند و هنر این مملکت را حفظ کنند. امیدوارم شرایط کار روز به روز برایشان بهتر شود و بتوانند آثار بهتری ارائه کنند.

او می افزاید: از جوانان و هنرمندان نسل جدید می خواهم اول از همه سرزمین خود را بشناسند. سرزمین ما فقط تهران نیست و جاهای مختلف و بی نظیری دارد که باید دید. خیلی از بازیگران تازه از راه رسیده نمی دانند روابط انسانی مناطق مختلف کشور چطور است. در حالی که برای بازی در نقش شخصیت ها باید فرهنگ غنی و اقلیم ایران را شناخت. کجای دنیا حافظ و مولانا و سعدی و فردوسی دارد؟ نسل جوان ما باید آثار این بزرگان و دیگر ادیبان این سرزمین را بخوانند.

بازی کنار آنتونی کوین

محمد علی کشاورز از معدود بازیگران ایران است که با دو نفر از برجسته ترین بازیگران تاریخ سینمای جهان همبازی شد؛ یکی آنتونی کوین در فیلم «کاروان ها»

شمع بیٹی از سعدی خوانند: گفتیم عشق را به صبوری دوا کنیم / هر روز عشق بیشتر و صبر کمتر است... می خندند و می گویند هنوز هم همین است... هر روز عشق بیشتر و صبر کمتر است.

آرزوهایی از ته دل برای مردم ایران

آدم ها هستند و آرزوهایشان، اما محمد علی کشاورز حالا در آستانه ۸۹ سالگی چه آرزویی دارد؟ او در این باره می گوید: می خواهم اول از جوان ها خواهش کنم قدر خودشان را بدانند و سعی کنند زندگی سالمی داشته باشند، ایران و تاریخ و فرهنگ غنی کشورمان را بشناسند و یادشان نرود که ما ایرانی هستیم و همه وظیفه داریم برای آینده این سرزمین تلاش کنیم.

او ادامه می دهد: این سرزمین و هر چه دارد حاصل تلاش آنهاست که قبل از ما بودند و در برابر هر مشکلی هم ایستادند و ایران را حفظ کردند تا امروز کشور ما باشد.

و اما استاد آرزوهایی هم مخصوص جوانان بازیگر دارد و می گوید: آرزو دارم بچه هایی که تئاتر و کار هنری می کنند، اول مملکت خود را بشناسند و درباره فرهنگ و ادبیات و هنر ایران به طور مرتب مطالعه کنند و بروند همه جای کشور پهناورمان را ببینند. ایران، گلستانی داداد است. امیدوارم همه دست به دست هم دهند و برای مملکت خودمان کار کنند؛ نه این که چشممان به فرنگی ها باشد که دارند چه می کنند.

و دیگری ماکس فون سیدو در فیلم «صحاری تاتارها». البته بخش هایی از هر دو فیلم در ایران فیلمبرداری شد. مرور این همکاری های افتخارآمیز کشاورز را حسابی سر ذوق می آورد و می گوید: فیلم حرفه ای سینمای جهان است که بخشی از آن در ارگ بم فیلمبرداری شد. یکی از بهترین همکاری های دوران بازیگری من هم با آنتونی کوین، بازیگر برجسته و توانای سینمای جهان بود. سال ها بعد او را به طور اتفاقی در انگلیس دیدم و او مرا برای زندگی و بازی در تئاتر و سینما به نزد خودش دعوت کرد. اما ضمن تشکر از محبت او گفتم: من به جز وطنم ایران در هیچ جای دنیا کار نمی کنم.

۸۹ سالگی با سعدی

اما حس و حال ۸۹ سالگی چگونه است؟ هر چند استاد این روزها غمگین از دست دادن دوستش جمشید مشایخی است، اما آرام لبخند می زند و به فکر فرو می رود. انگار که همان ۸۹ چهار فصلی که گفتیم را در لحظه ای مرور کند، بعد می گوید: «اصلانی دادم چند ساله هستم. فقط این را می دانم که در فروردین ۱۳۰۹ و در سیچون اصفهان به دنیا آمدم. خوشحالم که يك ایرانی هستم و هر چه هم دارم از مردم خوب کشورم است.» یادآوری می کنم که چند سال پیش که برای تولدشان مهمانشان شده بودیم موقع فوت کردن